

درس ۷

وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (علیهم السلام)

دیدیم که مقام امامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پس از ایشان ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اسلام، به‌عنوان دو میراث گرانبها تا آخر الزمان راهنمای ما انسان‌ها به سوی رستگاری و فلاح خواهند بود.

اکنون می‌خواهیم نحوه برخورد جامعه اسلامی با این دو میراث‌گران قدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کنیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
 فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
 عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
 وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ
 لِلَّذِينَ اتَّقَوْا
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ

یوسف، ۱۰۹

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
 أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
 أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ
 وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ
 فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا
 وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

و محمد نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به (دین) گذشتگان خود بر خواهید گشت؟ و هر کس به عقب باز گردد، به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند

آل عمران، ۱۴۴



به کمک توضیحات زیر، آیات را ترجمه کنید.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا : پس آیا نگشته‌اند؟ فَيَنْظُرُوا : تا بنگرند



سوره/آیه	با اندیشه در آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
	۱- قرآن کریم چه درخواستی دربارهٔ گذشتگان دارد؟
یوسف/۱۰۹	۲- نتیجهٔ عمل به این درخواست، تشخیص چه چیزی است؟
	۳- از نظر قرآن کریم زندگی کدام دسته از انسان‌ها مورد قبول است؟
	۴- قرآن کریم مسلمانان زمان پیامبر (ص) را از چه چیزی بیم می‌دهد؟
	۵- از نظر قرآن کریم، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت چه کسانی هستند؟
یوسف/۱۰۹	۶- بیان تاریخ گذشتگان، از جمله تاریخ اسلام برای چه کسانی عبرت‌آموز است؟

هشدار قرآن کریم به مسلمانان عصر پیامبر ﷺ نیازمند دقت و توجه فراوان است. این هشدار گویای آن است که خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعهٔ توحیدی، حتی برای جامعه‌ای که به دست پیامبر هم بنا شده، وجود دارد.

امیر مؤمنان علی رضی الله عنه که از ابتدای بعثت پیامبر اکرم، همراه ایشان بود و از تعلیمات آن بزرگوار به خوبی برخوردار شده بود، وقتی نحوه عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، در زمان‌های مختلف سمت و سوی حوادث آینده و سرنوشت جامعه اسلامی را پیش‌بینی می‌کرد و در سخنرانی‌های متعدد مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می‌داد.^۱

آن حضرت در یکی از سخنرانی‌ها فرمود:

«به زودی پس از من زمانی فرا خواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کلاهی کم به‌تر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود. و کلاهی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن نیست، آن‌گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته شده‌تر از منکر و گناه نیست.

آن مردم در اختلاف با یکدیگر و پراکندگی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند. گویا آنان خود را راهنمای قرآن می‌دانند، نه قرآن را راهنمای خود، از قرآن در میان آنان جز نامی باقی نمانده و جز خط و نوشته‌اش چیزی از آن نمی‌دانند...»^۲

ایشان در سخنرانی دیگری از حاکم شدن بنی‌امیه خبر می‌دهد و آن را نتیجه سستی مسلمانان در دفاع از حق می‌داند و درباره رفتار بنی‌امیه می‌فرماید:

«به‌خدا سوگند بنی‌امیه تا آن‌جا در ستمگری و تجاوز پیش می‌روند که هر حلالی را حرام نمایند و هر پیمانی را که بسته‌اند، بشکنند. هیچ کلبه گلی و خیمه فقیرانه‌ای نیست، مگر آن که ظلمشان را ببینند و فشارشان را تحمل کنند. رفتار بنی‌امیه چنان بد است که اهالی همین خانه را هم متفرق سازد. کار به آن‌جا خواهد رسید که هم گروهی که دینشان را می‌خواهند بر دینشان بگریند و هم گروهی که دنیای خود را می‌خواهند بر نابسامانی دنیای خود گریانند. وضع به گونه‌ای شود که هرکس بخواهد دادخواهی کند و از کسی یاری بطلبد باید نزد همان ظالمان برود و از همان‌ها کمک بخواهد...»^۳

۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است، از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۱۴۷

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸

۴- حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست. فقط می‌توان سؤالاتی مشابه با فعالیت تطبیق از این سخنان طراحی کرد.



این سخنان گویای آن است که بیشتر مسلمانان به هشدار قرآن کریم عمل نکردند و سپاسگزار واقعی نعمت رسالت نشدند و در نتیجه حاکمان ستمگر بر آنان چیره گردیدند. با تأمل در سخنان امیرالمؤمنین پنج مورد از نشانه‌های بازگشت مسلمانان به دوره جاهلیت را بیان کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

پس از رحلت رسول خدا ﷺ در سال یازدهم هجری، حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام ﷺ برنامه‌ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت. دستاورد این پیشامد آن بود که امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت‌های خود شوند. پس از گذشت ۲۵ سال از رحلت پیامبر، فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به حضرت علی رضی اللہ عنہ رسید و ایشان در همین دوره کوتاه، عالی‌ترین نمونه انسانی حکومت را به همه نسل‌ها در سراسر تاریخ عرضه کرد. در نتیجه خروج جریان رهبری از مسیر امامت، پس از مدت کوتاهی، جانشینی رسول خدا ﷺ به دست کسانی افتاد که با نفرت و کینه با آن حضرت مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی حاضر به اسلام آوردن شدند که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم شهر آنان، مکه، را تصرف کرد، و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او در سال چهلیم هجری به نام جانشینی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم را به سلطنت تبدیل کرد. او، یزید را جانشین خود قرار داد. شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی

نداشت. زنان زیبا را حتی اگر در عقد دیگران بودند، مجبور به طلاق می‌کرد و به کاخ می‌آورد. احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و مسخره می‌گرفت. آشکارا شراب می‌خورد. سگ‌بازی و میمون‌بازی کار روزانه او بود. با همان سگ و میمون وارد مجالس می‌شد و آن‌ها را کنار دست خود می‌نشاند. چنین شخصی نوه گرامی پیامبر، امام حسین و یارانش را با چنان وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را به عنوان اسیر، در شهرها می‌گرداند. جانشینان وی تا سال ۱۳۲ هجری قمری بر مردم حکمرانی کردند.

روشن است که وقتی سرسخت‌ترین دشمنان رسول خدا ﷺ، به نام جانشینی ایشان حکمرانی بر مسلمانان را به چنگ آوردند، با خانواده پیامبر ﷺ و تعالیم آن بزرگوار و معارف حقیقی قرآن کریم چگونه رفتار می‌کنند.

پس از سقوط بنی‌امیه، در زمانی که امام صادق علیه السلام رهبری شیعیان را برعهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی‌عباس افتاد. آنان با این که خود را عموزادگان ائمه اطهار علیهم السلام می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی‌امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی‌امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی فروگذار نکردند؛ به گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دو میراث‌گزار قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. اکنون به بررسی مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره می‌پردازیم، تا به مجاهدت‌های امامان بزرگوار بیشتری بپردازیم.^۱

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آن‌ها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، چند اشکال اساسی داشت؛ از جمله این که:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می‌یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارتها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می‌شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می‌آمد که براساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب‌های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت‌الله جعفر سبحانی مراجعه کنید.

ج) نوشته نشدن حدیث سبب می‌شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد.

د) مهم‌تر از همه این که مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره می‌ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می‌دادند.

تذکر: البته این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و موثق بود، به دست می‌آوردند.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی دربارهٔ پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به افکار کسانی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام پیروی نمی‌کردند، جهت می‌داد و در کتاب‌های تاریخی و تفسیری آنان راه می‌یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان می‌شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به قدرت آنان کمک می‌کرد و مردم را مطیع آنان می‌گرداند. برخی از دنیا دوستان برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.



نمونه‌ای از احادیث مجعول

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های باشکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی

می‌آوردند. روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک لقمه‌هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ‌چیز دیگری بر او واجب نیست.» ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، عصای خود را بر سر او زد و فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده!»^۲

۳- ظهور شخصیت‌ها و الگوهای غیر قابل اعتماد

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته جامعه خود هستند و آن‌ها را اسوه قرار می‌دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش‌های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این کمالات و ارزش‌ها بهره‌مند می‌شوند و اگر آن‌ها به سوی زشتی‌ها و بدی‌ها بروند، بیشتر مردم نیز از آن‌ها دنباله‌روی خواهند کرد.

در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود و مسلمانان تلاش می‌کردند رفتار ایشان را سرمشق قرار دهند، انسان‌هایی آزاده، شجاع، باایمان و عدالت‌طلب چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت‌های انسانی است.

اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر علیهم السلام، به انزوا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. این‌گونه شخصیت‌ها در دستگاه حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

۱- توبه ۳۴

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۲۶.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

پیامبر خدا ﷺ حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.^۱

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ جاهلیت در لباسی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا ﷺ در جبهه دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبهه دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوه حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند. آنان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند، خزائن خود را از جواهرات گران قیمت انباشته کردند، اکثر املاک و زمین‌های کشاورزی در کشور پهناور اسلامی را به مالکیت خود درآوردند و به عیش و نوش و عشرت پرداختند.



به نمونه‌ای از این انحراف و بازگشت به جاهلیت توجه کنید.

معاویه که در زمان خلیفه دوم حاکم شام شده بود، از همان ابتدا می‌کوشید مانند قیصرهای روم زندگی کند، اموال بیت‌المال را اموال خود می‌دانست و به هر کس که می‌خواست می‌بخشید. اولین حاکم مسلمانان بود که کاخ ساخت. معماران رومی و ایرانی را برای ساختن این کاخ به کار گرفت و آن را با سنگ مرمر سبز بنا کرد. به همین جهت، این کاخ به کاخ سبز مشهور شد.

در آن روزها که کاخ ساخته می‌شد، ابوذر، یار صمیمی پیامبر ﷺ که دوره تبعید خود را در شام می‌گذراند، به کنار کاخ می‌آمد و فریاد می‌زد: «ای معاویه! اگر این کاخ را از ثروت خود می‌سازی، اسراف است و اگر از ثروت بیت‌المال، خیانت است.»



- ۱- چرا قرآن کریم مردم را به مطالعهٔ سرگذشت ملت‌ها دعوت کرده است؟
- ۲- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آماده کرد؟
- ۳- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه بود؟



- با مطالعهٔ یکی از کتاب‌های زیر عواملی را که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد، استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.
- الف - حماسهٔ حسینی، استاد شهید مطهری
 - ب - تاریخ سیاسی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، جواد محدثی
 - ج - تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان
 - د - سیرهٔ پیشوایان، مهدی پیشوایی



درس ۸

احیای ارزش‌های راستین

در درس قبل با شرایط فرهنگی و سیاسی پس از رحلت پیامبر ﷺ آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم که امامان بزرگوار ما در این شرایط سخت چگونه مسئولیت‌های مربوط به امامت را به انجام رساندند و اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه اسلامی داشت.



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

بگو، برای این [رسالت] از شما هیچ

مزدی نمی‌خواهم،

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

مگر کسی که بخواهد

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

راهی به سوی خدا پیش گیرد.

فرقان، ۵۷

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ

.....

فَهُوَ لَكُمْ

.....

إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ

.....

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

.....

سبأ، ۴۷

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

.....

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ

.....

وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً

.....

نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا

.....

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

.....

شوری، ۲۳

* معمولاً «مَنْ» در جمله‌های منفی یا سؤالی «هیچ» معنا می‌شود.



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

مَا سَأَلْتُكُمْ : آنچه از شما خواسته‌ام

أَجْرِي : مزد من، پاداش من

إِنْ : نیست، نه

لَا أَسْأَلُكُمْ : از شما درخواست نمی‌کنم

يَقْتَرِفُ : کسب کند

نَزِدُ : می‌افزایم



با اندیشه در آیات ابتدای درس، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- بنابر آیه ۵۷ سوره فرقان چه کسانی پاداش رسالت را خواهند داد؟

.....

۲- خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری به پیامبر خود فرمان می‌دهد که چه چیزی را پاداش رسالت خود معرفی کند؟

.....

۳- در آیه ۴۷ سوره سبأ، خداوند از پیامبر اکرم می‌خواهد که به مردم بگوید که اگر از شما مزدی می‌خواهم، برای خودتان است. چگونه این مزد برای خود آن‌هاست؟

.....

با توجه به پیام آیات درمی‌یابیم که خداوند مقصود خاصی از این فرمان دارد. او می‌خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از آن‌ها، در هنگام آزمون‌های سخت اجتماعی و بحران‌های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی مورد نظر است که چراغ هدایت مردم در تاریکی‌ها هستند. پس از نزول آیه ۲۳ سوره شوری از رسول خدا پرسیدند که این خویشان که خداوند، ما را به دوستی آنان فرمان داده، کیستند؟

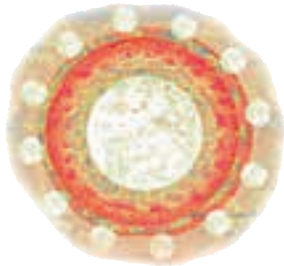
فرمود: **علی و فاطمه و دو پسر ایشان، حسن و حسین^۱.**

اما همان‌طور که در درس قبل خواندیم، بسیاری از مسلمانان در تشخیص مسیر صحیح به خطا رفتند و حاکمان ستمگر بر آنان چیره شدند. امیرالمؤمنین که عاقبت رفتار آنان را پیش‌بینی می‌کرد، راه نجات را هم به آنان نشان می‌داد. در یکی از سخنرانی‌ها که قسمتی از آن در درس قبل آمد، آنان را این‌گونه راهنمایی می‌کند:

«آگاه باشید که وقتی می‌توانید در آن شرایط راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا رهاکنندگان و پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نمایید. و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفا کنید که شکنندگان پیمان را تشخیص دهید. و آنگاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

آنگاه امیر مؤمنان راه حل نهایی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

«پس همه این‌ها را از اهلش طلب کنید. آنان هستند که نظر دادن و حکم کردنشان حکایتگر توانایی و دانش آن‌هاست، سکوتشان خیردهنده منطقی و گفتارشان است و ظاهرشان نمودار باطنشان می‌باشد. هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند و در دین اختلاف ندارند. دین در میان آنان شاهدهی صادق و در عین سکوت، گویاست.»^۲



۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۲۲، الذر المنثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۶، ص ۷

۲- نهج البلاغه، قسمت‌هایی از خطبه ۱۴۷.



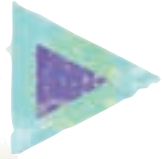
با دقت در سخنان امام، چهار محور از راهنمایی‌های آن حضرت را بنویسید:

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-

وقتی خوب دقت می‌کنیم و میان آیات و روایات ارتباط برقرار می‌کنیم، می‌بینیم که اینان، همان اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام هستند که پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای انجام دادن مسئولیت‌های دوگانه‌ی مقام امامت، قیام کردند تا از مسخ و تحریف اسلام جلوگیری کنند و مردم را از تاریکی و ظلمتی که طاغوت‌های جدید پدید آورده بودند، به درآورند و به روشنایی و نور برسانند^۱. تلاش ائمه علیهم‌السلام سبب شد تا چهره‌ی اسلام راستین که براساس توحید، عدل و امامت استوار است و متناسب با شرایط زمان به نیازهای انسان‌ها پاسخ می‌دهد باقی بماند. تلاش و مجاهدت امامان را می‌توان در قالب مسئولیت‌های دوگانه‌ی مقام امامت بررسی کرد.

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم: در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند که قرآن را مطابق با اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار می‌ساختند. در نتیجه‌ی این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی، حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره‌برده و به حقایق آن دست یابند.



۱- امامان بزرگوار مفسرانی را تربیت کردند که معارف قرآن را میان مردم بیان کنند. برخی از این مفسران عبارتند از: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله انصاری، سعید بن جبیر، مجاهد بن جابر مکی، طاوس بن کیسان، رفیع بن مهران، جابر بن یزید جعفی، اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی، ابوسعید حسن بصری، قتاده و ابوصالح باذان.^۱

۲- نمونه‌های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگرانه ائمه اطهار علیهم‌السلام در تاریخ نقل شده است که به یک مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام گروهی پیدا شدند که فکر می‌کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارات‌های قرآن نظیر «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ - دست خداوند بالای دست‌هایشان است»^۲ کمک می‌گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می‌دادند که آیات قرآن را با آیه‌های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

«لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ - هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست»^۳؛ پس، نمی‌توان دستی مانند دست انسان‌ها برای خدا تصور کرد. در عربی، ید، علاوه بر دست، به معنای قدرت هم به‌کار می‌رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت‌ها برتر است.

به سبب همین روشن‌گری‌ها، افکار شرک‌آلود و کفرآمیز که معمولاً وارد تعالیم انبیای گذشته شده بود و برای مردم، عادی جلوه می‌کرد، نتوانست در میان مسلمانان جایگاهی پیدا کند.

۲- اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: امام علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهما‌السلام

سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آداب زندگی ایشان را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و از آنان می‌خواستند که این آموزش‌ها را به امامان بزرگوار بعد از خود منتقل کنند، به‌علاوه، می‌کوشیدند نشان دهند که این

۱- تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سیدمحمد باقر حجتی، بنیاد قرآن، ص ۲۵ تا ۶۶

۲- فتح، ۱۰

۳- شوری، ۱۱

آموزش‌ها از پیامبر ﷺ است. هریک از امامان، علاوه بر این که این علوم را به امام بعد از خود می‌سپرد، می‌کوشید آن‌ها را در جامعه گسترش دهد و یاران خود را بر اساس آن‌ها تربیت کند. به نمونه‌ای در این مورد توجه کنید.

هنگامی که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمون می‌خواست از مدینه به مرو - پایتخت حکومت مأمون - برود، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگه‌دارند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، آن‌ها به ایشان اصرار کردند که برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود:

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام، شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام، و ایشان از پدرش امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا ﷺ شنید که فرمود، خداوند می‌فرماید:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي
كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَلْعَةٌ مُحْكَمٌ مِنْ أَسْتٍ وَ هَرَكْسٌ بِهَ إِين قَلْعَةٌ مُحْكَمٌ مِنْ وَارِدٍ شُود، از عذاب
من در امان می‌ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود:

بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا أَمَا بِهَ شُرُوطِهَا أَنْ وَ مِنْ أَشْرَاطِهَا أَنْ هَسْتَم

مقصود امام علیه السلام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است. نحوه بیان این حدیث نشان می‌دهد که چگونه احادیث، از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است. به جهت توالی اسامی امامان در این حدیث، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره طلا) مشهور است.

۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق و افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار علیهم السلام با تکیه بر علم الهی خود، به دور از انزوا و گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه این مسائل اظهار نظر کرده و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار علیهم السلام در کنار سیره پیامبر ﷺ و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج البلاغه» که بخش‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حضرت علی علیه السلام است،

کتاب «عُرُوْا الْحِکْمَ وَ دُرُرُ الْکَلِمِ» شامل یازده هزار سخن کوتاه از آن حضرت و کتاب «صحیفه سجادیه» از امام سجاد علیه السلام، نام برد. علاوه بر این، دانشمندان اسلامی و راویان حدیث، سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را در مجموعه‌هایی گرد آوردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «کافی» از مرحوم کلینی، «مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیْه» از مرحوم صدوق، «التهدیب» و «الاستبصار» از مرحوم شیخ طوسی. به این چهار کتاب، «کتب اربعه» می‌گویند.

۴- تربیت شخصیت‌های اسلامی: از جمله وظایف انسان‌های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را مستعد و مشتاق فضیلت یافتند، به تربیت آنان همت گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال یاریشان دهند و از زیبایی‌ها و فضایل وجود خود، به آنان بیخشند.

ائمه اطهار علیهم السلام در این راه کوشش فراوان کردند. از این رو، در اطراف هر یک از این بزرگواران، شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت شدند که در علم، ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان‌های زمان خویش بودند. آن‌ها اندیشه‌های اسلام راستین را در عالم گسترش دادند و آرمان‌های متعالی آن را حفظ کردند.



به نمونه‌های زیر در این باره توجه کنید:

۱- یاران برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند سلمان فارسی، عمار، ابوذر و مقداد پس از رحلت آن بزرگوار، گرد امام علی علیه السلام جمع شدند. آن حضرت علاوه بر توجه به آنان، گروه زیادی از انسان‌های دانشمند، مجاهد و صاحب فضیلت مانند اویس قرنی، کمیل بن زیاد، میثم تمار و رشید هجری (بیشروان عرفان و معنویت)، عبدالله بن عباس (مفسر قرآن کریم)، مالک اشتر و محمد بن ابی بکر (پیشتازان جهاد و مبارزه) که در پایه‌گذاری فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای داشتند، تربیت کرد.

۲- امام سجاد علیه السلام در شرایط سخت بعد از قیام عاشورا با صبر و بردباری و هوشیاری، بار دیگر علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام را گردآورد و به تعلیم آنان پرداخت. اسامی یکصد و هفتاد نفر از شاگردان امام سجاد علیه السلام یا کسانی که از ایشان حدیث نقل کرده‌اند، در تاریخ ثبت شده است. در میان آنان، شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابو حمزه ثمالی و سعید بن جبیر قرار داشتند که در دانش و تقوا و

بصیرت و جهاد نام آور بودند. سعید بن جبیر به خاطر پیروی از امام، به وسیله فرماندار بنی امیه به صورتی فجیع به شهادت رسید.

۳- عصر امام باقر علیه السلام به بعد عصر شکل گیری و حضور اندیشه های گوناگون و مذاهب مختلف در جامعه بود و حتی منکران خدا به ترویج افکار خود می پرداختند. همان گونه که در تاریخ نقل کرده اند، مأمون عباسی جلسات مناظره میان صاحبان مذاهب و ادیان تشکیل می داد و خود به تماشا و داوری می نشست. در این شرایط، ائمه اطهار علیهم السلام به تربیت افرادی متخصص در زمینه های اعتقادی، علمی و فقهی اقدام کردند که سرآمد دانشمندان زمان خود بودند. ابو حمزه ثمالی (عالم و محدث)، هشام بن حکم (متفکر و توانا در مناظره)، جابرین حیّان (شیمی دان نامی که او را پدر علم شیمی نامیده اند)، مؤمن طاق (متخصص در معارف اعتقادی)، هشام بن محمد (مورّخی که بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده)، فضل بن شاذان (فقیه، محدث و متکلم) و احمد بن محمد برقی (از شاگردان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام که بیش از صد کتاب تألیف کرده) از جمله این دانشمندان هستند. در تاریخ، اسامی چهارصد تن از شاگردان امام صادق علیه السلام که دارای کتاب اند، درج شده است. همچنین از یکصد و ده تن از شاگردان و کسانی که از امام جواد علیه السلام حدیث نقل کرده اند، در کتاب های تاریخ نام برده شده که در میان آنان نام کسانی چون علی بن ابراهیم مهزباراهوازی را که بیش از سی جلد کتاب تألیف کرده است، می توان دید.

بهره مندی از محضر ائمه اطهار علیهم السلام به شیعیان اختصاص نداشت و هر طالب علمی با شرکت در جلسات درس آنان می توانست از دانش آن بزرگواران استفاده کند. ابوحنیفه، امام مذهب حنفی، محمد بن ادریس، امام مذهب شافعی، مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی و نیز سفیان ثوری، از جمله کسانی هستند که از محضر امامان بزرگوار، بهره علمی برده اند.

پروسی

در درس قبل با شرایط و مشکلات اجتماعی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا

شدیم. اکنون توضیح دهید که این چهار اقدام ائمه اطهار علیهم السلام پاسخ گوی کدام یک

از مشکلات آن دوره بوده است.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

امامان بزرگوار، از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می‌کردند: اول، از آن جهت که رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

دوم، از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی را گناه می‌دانستند و معتقد بودند که اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

البته آنان در این مجاهده از اصولی تبعیت می‌کردند که در این جا برخی از آنها را مطرح می‌کنیم:

۱- **عدم تأیید حاکمان:** امامان هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خود را به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ تأیید نکردند و این امر را به شیوه‌های گوناگون به اطلاع مردم رساندند.

گرچه امامان تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می‌گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می‌کردند، عملشان را تأیید می‌نمودند، اما آنان را در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ یکسان می‌دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می‌کردند.

۲- **معرفی خویش به عنوان امام برحق:** آن بزرگواران همواره خود را به عنوان امام و جانشین برحق پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کردند؛ به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آنها جانشین رسول خدا و امام برحق جامعه‌اند.

این دو اصل، همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آن‌ها می‌دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ به رسمیت نمی‌شناسند و مشروعیتی برای آن‌ها قائل نیستند و خود را لایق این مسئولیت می‌دانند. به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می‌کردند و نسبت به آنان و بارانشان انواع سختی‌ها و آزار و اذیت‌ها روا می‌داشتند تا آن جا که همه آن بزرگواران به شیوه‌های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

۳- **آگاهی بخشی به مردم:** ائمه اطهار علیهم السلام راه‌هایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات اجتماعی را آگاه شدن آنان می‌دانستند. از نظر آن‌ها رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی بود و برای تحقق آن حتی از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند.

۴- **انتخاب شیوه‌های درست مبارزه:** امامان شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزیدند؛ به گونه‌ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین - یعنی تشیع - باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی‌امیه و بنی‌عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان اسلام

حقیقی، به نسل‌های آینده معرفی گردد.

آنان می‌کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقیه» به پیش ببرند. یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آن‌ها از نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگه داشتن این ارتباط نمی‌گذاشتند حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، این یاران صمیمی، قابل اعتماد و فداکار را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

به نمونه‌هایی از این شیوه‌های مختلف مبارزه توجه کنید.

۱- حضرت علی علیه السلام پس از این که از حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشه‌گیری هم در پیش نگرفت؛ او هر جا که کاری خلاف موازین اسلام می‌دید، انتقاد می‌کرد و هر جا هم که از وی کمک می‌خواستند، آنان را یاری می‌نمود.

۲- امام حسن علیه السلام نیز مانند پدر بزرگوارشان دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. معاویه با صرف هزینه‌های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود منصرف کند و با حیل‌ها و نیرنگ‌های گوناگون مردم را با خود همراه سازد. امام با سنجیدن جوانب کار، سرانجام صلاح را بر آن دید که برخلاف میل خود، از جنگ دست بردارد و با معاویه قرارداد صلح امضا کند.

۳- امام حسین علیه السلام در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست به جهاد نزد. اما وقتی یزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت یزید نرود و علیه وی قیام کند.

۴- پس از شهادت امام حسین علیه السلام و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع از هم پاشید. به همین جهت، امام سجاد علیه السلام در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان‌هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاقه‌مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. به سبب همین اقدامات بار دیگر تشیع به‌عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد.

۵- در اثر فعالیت‌های امام سجاد علیه السلام، در دوران امام باقر علیه السلام زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام اقدام علمی و فرهنگی مهمی را آغاز کرد و آن پایه‌گذاری یک مدرسه علمی بزرگ در مدینه بود، که با توجه به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام اقدامی ضروری بود. در این مدرسه علمی، معارف اصیل اسلامی تدریس می‌شد. امام پیوسته شایستگی حاکمان غاصب و جبار زمان را زیر

سؤال می‌برد و نظر اسلام را درباره امامت و خلافت بیان می‌کرد. اما هنوز زمان قیام علیه این حاکمان را مناسب نمی‌دید. به همین جهت، وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

۶- در زمان امام صادق علیه السلام ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسیده بود. در این شرایط دو جناح علیه امویان فعالیت می‌کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان، دوستان اهل بیت علیهم السلام بودند. به همین جهت امام صادق علیه السلام مبارزه خود را علنی‌تر کرد و در فرصت‌های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود و فرمود: «ای مردم! رسول خدا امام و رهبر بود، پس از او علی علیه السلام و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی علیهم السلام به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم.»

حتی به زید بن علی، عموی خود اجازه قیام داد. البته بر اثر اشتباهات مسلمانان و روی آوردن آن‌ها به بنی‌عباس، با پیروز شدن بنی‌عباس بر بنی‌امیه، دوران اختناق و سخت‌گیری نسبت به علویان دوباره آغاز شد.

امام صادق علیه السلام در تمام دوران امامت خود، مدرسه علمی را که امام باقر علیه السلام پایه‌گذاری کرده بود، توسعه داد و هزاران شاگرد را در رشته‌های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

۷- دوره امام کاظم علیه السلام دوره شدت اختناق بود اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت مخفیانه و در قالب «تقیه» ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن حضرت سال‌های طولانی را نیز در زندان‌ها به‌سر برد.

۸- بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام امامت و رهبری شیعیان را برعهده داشت. ده سال از امامت ایشان در دوره هارون عباسی بود که دوران بسیار سخت و مشکلی محسوب می‌شد. با روی کار آمدن مأمون زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد و بر تعداد علاقه‌مندان به امام افزوده شد. به طوری که مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد. اما بعدها به‌خاطر ناکامی در نقشه‌های خود امام را به شهادت رساند.

۹- با شهادت امام رضا علیه السلام مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه امام جواد علیه السلام نیز مشکل شد. امام هادی علیه السلام را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و بالاخره در همین محل به شهادت رساندند. امام حسن عسکری علیه السلام نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سختگیری‌ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت علیهم السلام شدند.

ولایت معنوی امامان

پس از رسول خدا ﷺ، ائمه اطهار علیهم السلام واسطه خیر و برکت و رحمت در جهان هستی هستند و علاوه بر راهنمایی‌ها و یاری‌های ظاهری، به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می‌دهند و آنان را به مقصود می‌رسانند.

بسیاری از انسان‌های با فضیلت که روح خود را پاک کرده و آماده دریافت معرفت الهی بوده‌اند، مورد توجه معنوی ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته‌اند و انوار حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان تابیده است. این امدادهای معنوی که قطره‌ای از آن‌ها بر ما انسان‌های معمولی آشکار شده، آن‌چنان گسترده و عظیم است که همه ابعاد آن را نمی‌توان درک کرد. البته آن بزرگواران هرچه دارند، از خدا دارند و اگر خداوند عنایت خود را از کسی قطع کند، هیچ‌چیز برایش باقی نخواهد ماند.^۱ در واقع، مقام و منزلت انسان‌های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.



آیا ائمه اطهار علیهم السلام روش‌های یکسانی در مقابله با حاکمان زمان در پیش گرفتند؟

چرا؟



اگر بخواهیم ائمه اطهار علیهم السلام را اسوه‌های خود در زندگی سیاسی و اجتماعی قرار دهیم، مهم‌ترین درس‌های عملی این بزرگواران کدامند؟ با بررسی مجموعه درس و خواندن قسمت‌های «برای مطالعه» پاسخ را تنظیم کنید.

۱- برای آشنایی بیشتر با ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام، به زیارت جامعه کبیره در کتاب مفاتیح‌الجنان

مراجعه کنید.

گام سوم

.....

خدایا تو را سپاس گزاریم که چراغ های فروزان هدایت را فراراه ما
برافروختی تا از ظلمات جهل و سرگردانی به روشنایی معرفت و ایمان
راه یابیم.

برای شکرگزاری از این نعمت بیکران، تلاش می کنیم:

۱- برای افزایش معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام اقدامات زیر را
انجام دهیم:

.....

.....

۲- برای گرمی بخشدن به زندگی از راه محبت به آن بزرگواران
برنامه های زیر را بسنجیم.

.....

.....

۳- برای پیروی از رفتار آنان تصمیم های زیر را بگیریم:

.....

.....

درس ۹

خورشید پنهان

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ در کنار پدر زندگی کرد. امام عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آن که در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به یاران نزدیک و مورد اعتماد نشان می داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می کرد.^۱ پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰، امامت حضرت مهدی علیه السلام آغاز شد. دوره اول امامت ایشان که تا سال ۳۲۹ طول کشید، «غیبت صغری» نامیده می شود. امام در این دوره زندگی مخفی داشت اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد پیروان خود رارهبری می کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف اند.

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر (عج) برای ایشان نامه ای نوشت و فرمود پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم امامت در شکل «غیبت کبری» آغاز شده است.

درباره امامت امام مهدی علیه السلام موضوعات مهمی وجود دارد که در قالب سؤال، به برخی از آنها می پردازیم.

۱- برای مطالعه بیشتر درباره زندگی امام زمان علیه السلام به این کتابها مراجعه کنید: پیدای پنهان، تألیف پورسید آقایی، صبح امید، تألیف جواد محدثی، امام زمان در گفتار دیگران، تألیف علی دوانی، دادگستر جهان، تألیف ابراهیم امینی.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

این بدان سبب است که خداوند
تغییر نمی‌دهد نعمتی را که
بر قومی ارزانی داشته
مگر آن که آن‌ها تغییر دهند
وضع خویش را

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ
لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً
أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ
حَتَّى يُغَيِّرُوا
مَا بِأَنْفُسِهِمْ
وَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

انفال، ۵۳

.....
.....

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ
حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

رعد، ۱۱

به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

بِأَنْفُسِهِمْ : خودشان را

لَا يُغَيِّرُ : تغییر نمی‌دهد

سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس ، عبارتهای زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنان داده ضایع کنند،
.....	۲- عامل از دست دادن نعمت
.....	۳- زمینه‌ساز هلاکت و بدبختی یا عزت و سربلندی یک جامعه

۱- علت غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟

خداوند نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان‌ها نشان داده است. آن‌ها نه تنها راه سعادت را به مردم معرفی کردند بلکه دل‌سوزتر از پدری مهربان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی فرموده است^۱ و روشن است که دل‌سوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر غلط پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات، درباره دوازده جانشین و امام بعد از خود با مردم سخن گفته بود و حضرت مهدی علیه السلام را معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین و سایر امامان نیز درباره امام زمان علیه السلام و رسالتی که برعهده دارد، یاد کرده بودند. از این رو حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند که مهدی موعود علیه السلام را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم علیه السلام و سپس امام یازدهم علیه السلام و خانواده ایشان را در محله‌ای نظامی در شهر سامرا منزل دادند و رفت‌وآمدهای آنان را زیر نظر گرفتند تا در صورت امکان، امام دوازدهم را در همان کودکی به شهادت برسانند.

به سبب این قدرناشناسی و ناسپاسی و در خطر بودن جان آن حضرت، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد. ادامه یافتن این

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ - من و علی پدران این امتیم.» علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

غیبت نیز بر اثر باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ظهور می‌باشد. این غیبت آن قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند. در آن زمان، بشریت عملی شدن وعده‌های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید و همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

«خداوند زمین را پراز قسط و عدل خواهد کرد، بعد از این که پراز ظلم و جور شده باشد.»^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی‌گیرد مگر آن‌که گناهی انجام دهد که شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است.^۳ سپس ایشان آیات ۵۳ سوره انفال و ۱۱ سوره رعد را قرائت کرد.

از این سخنان درمی‌یابیم که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد؛ برای مثال، در جامعه‌ای که گرفتار بی‌عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی‌رسد. گسترش علم و فرهنگ نیز همین‌طور است. تنها زمانی دانش و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می‌کند که عموم افراد جامعه مشتاق و خواهان این پیشرفت باشند.

به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید که تا اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد.

۲- رهبری و امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که «غیبت» در این جا در مقابل «ظهور» است، نه «حضور». امام را «غایب» نامیده‌اند؛ زیرا ایشان از نظرها «غایب» است، نه این که در جامعه حضور ندارد. ایشان چون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تاباند. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند، نه این که ایشان در بین مردم حضور نداشته باشد.

۱- غیبت طوسی، ص ۴۹

۲- غیبت نعمانی، ترجمه، ص ۲۰۲

۳- تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۴۸۸

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید :

حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ... به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود؛ تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرامی‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و پیروان اوست^۱.

امام عصر علیه السلام، خود می‌فرماید : «بهره‌بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.»^۲ این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسان‌ها در بهره‌مندی از رهبری ظاهری ایشان است.

آری، بخش اصلی رهبری امام مربوط به ولایت معنوی است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، به صورت‌های مختلف، افراد مستعد و به‌ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی پرخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۳، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید :

ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.
ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید :

ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.^۴

از این نامه درمی‌یابیم که لطف و محبت امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه‌های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی

۱- کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۳۸۱ هجری به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت. شیخ مفید بالغ بر دوست عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.



از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از در ماندگان، شفای بیماران و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از این دستگیری‌هاست. چه بسیارند افرادی که از یاری آن حضرت برخوردار می‌شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند.

بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر علیه السلام نیست بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است. اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند. اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد. همچنین بخش رهبری ظاهری را ایشان به عالمان دین واگذار کرده است که در دروس بعد به آن خواهیم پرداخت.



هر یک از حالت‌های زیر به کدام‌یک از حالت‌های خورشید شبیه است؟ آن‌ها را مشخص کنید و نتیجه هر یک از این شباهت‌ها را توضیح دهید.

۱- وجود امام همراه با ظاهر بودن در میان مردم

۲- وجود امام و غایب بودن از مردم

۳- نبود امام



امام با مهر و محبت خود به یاد ماست. از دشواری‌های ما رنج می‌برد و از اعمال ما نگران است. آیا ما برنامه‌ای تدارک دیده‌ایم که همواره به یاد آن حضرت باشیم؟

این برنامه شامل چه قسمت‌هایی است؟

۳- دوران غیبت چه زمانی پایان می‌یابد؟

تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی ندارد. آنچه برای ظهور لازم است، احساس نیاز جهانی به کمک الهی، ناامیدی از همهٔ مکتب‌های غیرالهی و آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است و از این امور جز خداوند، کس دیگری آگاهی ندارد. بنابراین، کسانی که زمان ظهور را پیش‌گویی می‌کنند، دروغ‌گویند. وقتی از امام باقر علیه السلام پرسیدند که آیا برای ظهور وقتی معین شده است، سه بار فرمود:

كِدْبُ الْوَقَاتُونَ : تعیین کنندگان وقت، دروغ‌گویند.^۱

پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ ظَهْرٍ مَهْدَى الْمَهْدِيِّ، مَثَلُ بَرِيٍّ قِيَامَتِ اسْت. مهدی علیه السلام نمی‌آید مگر ناگهانی.^۲

۴- امام عصر علیه السلام عمر بسیار طولانی دارد. آیا چنین عمری امکان‌پذیر است؟

در پاسخ می‌گوییم: برخی امور از نظر عقلی امکان‌پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که پیدایش آن‌ها از نظر عقلی امکان‌پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. این‌ها امور غیرعادی‌اند، نه غیرعقلی. طولانی شدن عمر انسان‌ها از جملهٔ این امور است. از نظر عقلی، بدن انسان می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اما تحقق این هدف، تحت تأثیر هزاران هزار عامل طبیعی و زیستی در بیرون و داخل بدن انسان است. امروزه دانشمندان تعداد اندکی از این عوامل را شناخته‌اند و تلاش می‌کنند که روز به روز آگاهی خود را بیش‌تر کنند تا بتوانند عمر انسان را طولانی‌تر نمایند. از آن‌جا که خداوند از تمام این شرایط آگاهی دارد به قدرت و ارادهٔ خود جسم مبارک امام عصر علیه السلام را جوان نگه می‌دارد تا آن حضرت به حیات خود ادامه دهد. پس، عمر طولانی امام امری غیرعادی است، نه غیرعقلی و محال. و چنین عمری با قدرت الهی عملی می‌شود.

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۲- منتخب الاثر، ص ۱۲۴ و ۲۲۴.



۱- با توجه به آیه ۱۱ سوره رعد، علت اصلی غیبت امام عصر (عج) را توضیح دهید.

۲- چرا غیبت امام عصر علیه السلام به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؟
۳- غیر عادی و غیر عقلی (محال) چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ برای هر کدام سه مثال ذکر کنید.

۴- قرآن کریم خبر می‌دهد که حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال قوم خود را به توحید دعوت می‌کرد. از این خبر چه نتایج می‌توان گرفت؟



۱- اگر قطعه‌ای ادبی، شعر، خاطره یا داستانی جذاب درباره حضرت مهدی علیه السلام سراغ دارید، آن را در قالب طرحی زیبا ارائه دهید یا در کلاس بخوانید.
۲- احساس لطیف خود درباره امام عصر علیه السلام را در گفت‌وگویی صمیمانه با ایشان به قلم بیارید.

